



در رثای شهید دکتر مصباح الهدی باقری کنی

مردی فراتر از نام و نسبت



سرمقاله

شاید راز احترامی که شاگردان و همکارانش برای او قائل بودند نیز در همین پیوند میان دانش و اخلاق نهفته باشد. در روایت‌های همکاران و دوستانش، کمتر از موفقیت‌های فردی او سخن گفته می‌شود و بیشتر از شیوه برخوردش با انسان‌ها. این خود نشانه‌ای مهم است. بسیاری از استادان با کتاب‌هایشان به یاد آورده می‌شوند و بسیاری از مدیران با تصمیم‌هایشان؛ اما گروهی اندک، بیش از هر چیز با منش خود در حافظه دیگران باقی می‌مانند.

در نهایت، ارزش یک شخصیت رانه نسبت‌های خانوادگی تعیین می‌کند، نه مسئولیت‌های اداری و نه حتی آثار علمی. آنچه ماندگار می‌شود، شیوه زیستن است. اگر قرار باشد از شهید مصباح‌الهدی باقری‌کنی تنها یک ویژگی به یادگار بماند، شاید این باشد که او تلاش کرد نشان دهد می‌توان در اوج مسئولیت، فروتن ماند؛ می‌توان در دانشگاه، علم را با مسئولیت اجتماعی پیوند زد؛ و می‌توان در مدیریت، اقتدار را از اخلاق و اعتماد به دست آورد، نه از فاصله و ترس.

چنین شخصیت‌هایی، حتی پس از پایان زندگی، بیش از آنکه موضوع یک زندگی‌نامه باشند، به الگویی برای اندیشیدن درباره معنای رهبری، آموزش و خدمت تبدیل می‌شوند.

کرامت انسان‌ها و پذیرش مسئولیت، برای او توصیه‌های اخلاقی نبودند، بلکه ابزارهای اصلی اداره یک سازمان محسوب می‌شدند. او باور داشت سرمایه واقعی هر مدیر، نه اختیارات اداری، بلکه اعتماد انسان‌هایی است که با او کار می‌کنند؛ سرمایه‌ای که تنها با انصاف، راستگویی و وفاداری به عهد به دست می‌آید.

همین نگاه، دلیل دیگری نیز داشت. او به خرد جمعی ایمان داشت. برخلاف مدیرانی که مخالفت را تهدید می‌بینند، نقداً را بخشی از فرایند تصمیم‌گیری می‌دانست. شنیدن دیدگاه مخالف، برایش نشانه ضعف نبود، بلکه راهی برای نزدیک‌تر شدن به حقیقت بود. از همین رو، مدیریت مشارکتی، شایسته‌سالاری و گفت‌وگو، سه ضلع اصلی سبک مدیریتی او را تشکیل می‌دادند.

در عرصه آموزش نیز همین منطق دیده می‌شد. سال‌ها تدریس مدیریت، سیاست‌گذاری عمومی و بازاریابی، برای او صرفاً انتقال دانش نبود. او دانشگاه را نهادی تمدن‌ساز می‌دانست؛ جایی که باید انسان‌های مسئول تربیت شوند، نه فقط متخصصانی با مدرک دانشگاهی. در این نگاه، اخلاق علمی همان اندازه اهمیت داشت که توان علمی؛ زیرا به باور او، دانشی که از صداقت، انصاف و مسئولیت‌پذیری تهی باشد، هرچند پیشرفته، نمی‌تواند جامعه‌ای بهتر بسازد.

فاصله و اقتدار تعریف می‌شود، باقری‌کنی ظاهرآ از الگوی دیگری پیروی می‌کرد. او مدیریت را نه ابزار اعمال قدرت، بلکه شکلی از امانت‌داری می‌دانست. در نگاه او، مدیر پیش از آنکه فرمان بدهد، باید اعتماد ایجاد کند؛ پیش از آنکه مطالبه کند، باید گوش بدهد؛ و پیش از آنکه از دیگران پاسخ بخواهد، خود را در برابر آنان مسئول بداند. این نگاه، ریشه در جهان بینی او داشت. در نوشته‌ها و فعالیت‌های علمی‌اش، بارها یک ایده تکرار می‌شود: «(علم برای انباشتن مقاله نیست؛ برای حل مسئله است.)» او از محدود استادانی بود که میان دانشگاه و جامعه دیواری نمی‌دید. از نظر او، ارزش یک پژوهش نه به تعداد ارجاعات، بلکه به میزان تأثیرش بر کیفیت حکمرانی، بهبود زندگی مردم و حل مسائل واقعی کشور وابسته است. شاید به همین دلیل بود که از پژوهش‌های مسئله محور، میان‌رشته‌ای و کاربردی دفاع می‌کرد و استقلال فکری دانشگاه را لازمه تولید دانش بومی می‌دانست.

اما شاید مهم‌ترین ویژگی شخصیتی او را باید در نسبت میان اخلاق و قدرت جست‌وجو کرد. بسیاری از مدیران، اخلاق را فضیلتی شخصی می‌دانند که ارتباطی با مدیریت ندارد؛ اما در منظومه فکری شهید باقری‌کنی، اخلاق، خود مدیریت بود. صداقت، عدالت، امانت‌داری، احترام به

در بسیاری از جوامع، نسبت‌های خانوادگی و جایگاه‌های سیاسی می‌توانند سرنوشت یک انسان را از همان آغاز تعریف کنند. کافی است نام یک خانواده شناخته‌شده را با خود داشته باشید تا، پیش از آنکه کسی شخصیت، اندیشه یا کارنامه‌تان را بشناسد، درباره شما قضاوت کرده باشد. برخی از این امتیاز بهره می‌برند و برخی دیگر، تمام عمر می‌کوشند زیر سایه آن نمانند.

آنچه درباره شهید دکتر مصباح‌الهدی باقری‌کنی بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، همین تلاش برای مستقل ماندن از نسبت‌هاست. او هم برادرزاده آیت‌الله مهدوی‌کی بود و هم بعدها داماد رهبر انقلاب شد؛ اما روایت کسانی که از سال‌های دانشجویی او را می‌شناختند، تصویری کاملاً متفاوت ارائه می‌دهد. در دانشگاه امام صادق (ع)، نه نشانی از فاصله‌گذاری با دیگر دانشجویان دیده می‌شد و نه تلاشی برای بهره‌برداری از موقعیت خانوادگی. او در کلاس‌ها همانند دیگران حاضر می‌شد، بی‌تکلف معاشرت می‌کرد و «(مثل دیگر دانشجویان)» زندگی می‌کرد. این شاید ساده به نظر برسد، اما در فضایی که نام‌ها گاهی بیش از شایستگی‌ها دیده می‌شوند، انتخابی آگاهانه است.

همین ویژگی، بعدها در سبک مدیریت او نیز دیده می‌شود. در روزگاری که مدیریت اغلب با سلسله‌مراتب،

روایت بدرقه آقای شهید ایران

چشم انتظار

از زور گرمای آفتاب قم، به سایه‌ی ماشین پناه برده و روی یک تکه مقوا نشسته بود. باد تندی که می‌وزید، ذرات خاک را بلند می‌کرد و می‌نشان روی دست و بالش. چادرش لغزیده بود روی خاک‌ها و زن، بی‌توجه به آن، چشم دوخته بود به جمعیتی که توی بلوار پیامبر اعظم از جمرکان به طرف حرم حضرت معصومه (ع) موج برمی‌داشت. پرسیدم: «برای چی اینجا نشستستی؟»

چند لحظه سکوت کرد و بعد با صدایی بغض‌آلود گفت: «منتظرم بیکرها رویارن.»

گفتم: «از کجا آمدین؟»

با مهربانی نگاهم کرد و گفت: «(شیراز.)»

این بار، با تعجب پرسیدم: «چند ساعت توی راه بودین؟»

«(۹ ساعت.)»

با کنج‌کاوی بیشتری پرسیدم: «چطور تهران نرفتید؟»

حسرتی دور مردمک‌هایش چرخید و گفت: «(دیر راه افتادیم. به تشییع تهران نرسیدیم.)» صدای همه‌ها ها حواسم را از او پرت کرد. ولوله‌ای بین مردمی که توی بلوار می‌رفتند، به راه افتاد. آن‌هایی که گوشه و کنار نشسته بودند، به طرف جاده خیز برداشتند. فیلمبردارها و عکاس‌هایی که بالای کانتینر نشسته بودند، از جایشان بلند شدند و لنزهایشان را زوم کردند سمت نگاه مردم. ماشین حمل پیکر، از بین هوای غبار آلود پیدا شد. وسط موج خروشان مردم راه باز می‌کرد و جلوی می‌آمد. برگشتم طرف جایی که زن نشسته بود تا خیرش کنم. اثری از زن نبود. تکه مقوای زیر پایش را باد با خودش به این طرف و آن طرف می‌برد.

قاب

سلامی به نیابت از رهبر شهید انقلاب

رسانه KHAMENEI.IR هم‌زمان با اشاره اخیر رهبر معظم انقلاب به حضور پرشور زائران اربعین به نیابت از امام مجاهد شهید، پویش «به نیابت از آقای شهید ایران» را آغاز کرده است.

در این پویش، زائران اربعین تصاویر متعددی از یاد رهبر شهید انقلاب در این سفر معنوی را ارسال کرده‌اند که تصویر زیر یکی از آن تصاویر ارسالی است.



اعتراف

تلاش‌های بی‌نتیجه ترامپ در برابر ایران

هم‌زمان با تداوم تنش‌ها و رجزخوانی‌های آمریکا علیه ایران، نشانه‌های فزاینده‌تری از تردید نسبت به کارآمدی راهبرد نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی در قبال ایران دیده می‌شود. روزنامه تایمز اسرائیل گزارش داده است که با وجود انتظار افکار عمومی در سرزمین‌های اشغالی برای «پیروزی مطلق»، هیچ‌یک از جبهه‌های گشوده‌شده به نتیجه نهایی نرسیده و حتی دور جدیدی از رویارویی با ایران نیز چشم‌انداز روشنی ندارد. از سوی دیگر، توماس مسی، نماینده جمهوری خواه مجلس نمایندگان آمریکا، هشدار داده است که واشنگتن باید پیش از آنکه هزینه‌های جنگ علیه ایران افزایش یابد، از این درگیری خارج شود. همچنین، میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی، خواستار توقف حملات نظامی و بازگشت به میز مذاکره شده و تأکید کرده است که آمریکا باید از اشتباهات راهبردی اخیر خود درس بگیرد. مجموع این مواضع نشان می‌دهد که سیاست فشار حداکثری و اتکا به گزینه نظامی، برخلاف انتظارات دونالد ترامپ، نه تنها به تغییر رفتار ایران منجر نشده، بلکه هزینه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی بیشتری برای آمریکا و متحدانش ایجاد کرده است. هنگامی که حتی در داخل آمریکا، در رسانه‌های اسرائیلی و از سوی بازیگران بین‌المللی نسبت به ادامه این مسیر هشدار داده می‌شود، می‌توان دریافت که راهبرد مبتنی بر تشدید تنش به بن‌بست رسیده است. در چنین شرایطی، اصرار ترامپ بر ادامه فشار و تهدید، تلاشی برای فرار از پذیرش واقعیت‌های میدانی است؛ واقعیتی که نشان می‌دهد ابزار نظامی نتوانسته اهداف اعلام‌شده واشنگتن را محقق کند.